



جمهوری اسلامی ایران

مدیریت حوزه علمیه استان قم

رساله علمی سطح ۴

تفاوت‌ها و شباهت‌های آموزشی و تربیتی دختر و پسر از منظر کتاب و سنت

استاد راهنما:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین بستان نجفی

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر علیرضا صادق زاده قمصری

محقق:

محمد حسن تولائی

پائیز ۱۳۹۸

چکیده

پژوهش حاضر با نیم‌نگاهی به ساحت‌های مطرح شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، به منظور بررسی وجوه تفاوت‌ها و شباهت‌های آموزشی و تربیتی دختر و پسر از منظر کتاب و سنت، در سه فصل و یک خاتمه انجام شد. در فصل اول کلیات مباحث آموزش و تربیتی و همچنین مفاهیم و ادبیات تحقیق و در فصل دوم وجوه شباهت‌ها و تفاوت‌های تکوینی و تشریحی دختران و پسران برای روشن شدن تفاوت‌ها و شباهت‌های آموزشی و تربیتی مورد شناسایی قرار گرفت و پس از روشن شدن ابعاد تفاوت‌ها و شباهت‌های تکوینی و تشریحی آنان به بیان تفاوت‌ها و شباهت‌های آنان در ساحت‌های مختلف آموزشی و تربیتی پرداخته شد و در نهایت روش‌ها و شیوه‌هایی برای تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی، اقتصادی، علمی و فنی، زیباشناختی و هنری برای آموزش و تربیت دخترانه و پسرانه مطرح گردید. در این تحقیق مشخص شد که از نظر اسلام علاوه بر وجود نقاط و موارد آموزشی و تربیتی مشترک بسیار زیاد در ساحت‌های مذکور، تفاوت‌هایی با شدت و ضعف نیز وجود دارد که لحاظ آن در امر آموزش و تربیت دختران و پسران برای ایفای نقش‌های خود در زندگی و قرار گرفتن در مسیر درست بندگی و انسانیت تأثیر بسزایی دارد. همچنین مشخص شد اصرار بر شباهت بی‌قید و شرط در بردارنده‌ی نتایجی بس ناگوار همچون: انحلال نظام خانواده و کمرنگ شدن کارکرد‌های آتی دختر و پسر در ایفای نقش خواهد بود. برای آموزش و تربیت دخترانه و پسرانه لازم است، خانواده‌ها و متولیان آموزش و تربیت از جمله آموزش و پرورش در مواردی که کارکرد‌های آتی آنان را تحت الشعاع قرار نمی‌دهد برنامه‌های تربیتی یکسان و برای اموری که کارکرد‌های آنان را در معرض تخریب قرار می‌دهد برنامه‌های تربیتی سازگار با جنسیت و کارکرد‌های دختران و پسران ارائه نماید.

کلید واژه: جنسیت، تربیت، آموزش، شباهت‌ها و تفاوت‌ها، دختر و پسر، تربیت اسلامی، روش‌های تربیت، کتاب و سنت.

فهرست مطالب

صفحه

عناوین

Contents

۱..... مقدمه

فصل اول: کلیات و مفاهیم

- ۱-۱- بیان مسئله..... ۳
- ۲-۱- سوالات تحقیق..... ۴
- ۳-۱- فرضیه های تحقیق..... ۴
- ۴-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق..... ۵
- ۵-۱- اهداف تحقیق..... ۵
- ۶-۱- روش تحقیق..... ۵
- ۷-۱- پیشینه تحقیق..... ۶
- ۸-۱- تفاوت مفهومی آموزش و تربیت..... ۱۰
- ۹-۱- جایگاه آموزش و تربیت دختر و پسر در ادیان..... ۱۴
- ۱-۹-۱- تربیت دختران و زنان در آئین یهود..... ۱۵
- ۲-۹-۱- تربیت دختران و زنان در آئین مسیح..... ۱۶
- ۳-۹-۱- تربیت دختران و زنان در آئین اسلام..... ۱۷
- ۱۰-۱- مفهوم آموزش و تربیت دختر و پسر در کتاب و سنت..... ۱۸
- ۱۱-۱- اصول تربیت دختر و پسر در کتاب و سنت..... ۲۳
- ۱-۱۱-۱- اصل خدامحوری..... ۲۴
- ۳-۱۱-۱- اصل وجود متربی..... ۲۵
- ۴-۱۱-۱- اصل اجتماعی بودن زندگی..... ۲۵
- ۵-۱۱-۱- اصل فردیت در تربیت..... ۲۶
- ۶-۱۱-۱- اصل اخلاق‌مداری..... ۲۶
- ۷-۱۱-۱- اصل عمل و سعی و تلاش..... ۲۷
- ۹-۱۱-۱- اصل محبت و دوستی..... ۲۸
- ۱۰-۱۱-۱- اصل نظارت آگاهانه..... ۲۸
- ۱۱-۱۱-۱- اصل امید(خوف و رجا)..... ۲۹
- ۱۲-۱۱-۱- اصل آخرت اندیشی و فناپذیری دنیوی..... ۲۹
- ۱۲-۱- علت لزوم نگاه متفاوت به آموزش و تربیت دختر و پسر..... ۳۰

فصل دوم: وجوه شباهت و تفاوت دختر و پسر در کتاب و سنت

۱-۲- تفاوتها و شباهت های تکوینی دختر و پسر..... ۳۳

۳۵	۱-۱-۲- تفاوت و شباهت جسمی دختر و پسر
۳۵	۱-۱-۱-۲- نوع ماده تولید نسل دختر و پسر
۳۶	۲-۱-۱-۲- شکل اندام و ظاهر جسم دختر و پسر
۳۷	۳-۱-۱-۲- تغییرات و هورمونهای دختر و پسر
۳۷	۴-۱-۱-۲- دستگاه تناسلی دختر و پسر
۳۸	۵-۱-۱-۲- اسکلت و استخوان بندی و پوست دختر و پسر
۳۸	۶-۱-۱-۲- دوره رشد جسمی و احتلام دختر و پسر
۳۹	۲-۱-۲- تفاوت و شباهت جنسی دختر و پسر
۴۰	۳-۱-۲- تفاوت و شباهت عاطفی دختر و پسر
۴۲	۴-۱-۲- تفاوت و شباهت در هدف آفرینش دختر و پسر
۴۴	۵-۱-۲- تفاوت و شباهت ماهیتی دختر و پسر
۴۵	۶-۱-۲- تفاوت و شباهت در فطرت و قبول بار امانت
۴۵	۷-۱-۲- تفاوت و شباهت در قوه تعقل و ادراک دختر و پسر
۴۸	۸-۱-۲- تفاوت در غیرت و ورزشی دختر و پسر
۵۱	۹-۱-۲- تفاوت در رعایت حیا و دختر و پسر
۵۱	۲-۲- تفاوتها و شباهت های تشریحی دختر و پسر
۵۲	۱-۲-۲- تفاوت دختر و پسر در امور تشریحی
۵۲	۱-۱-۲-۲- تفاوت در زمان مکلف شدن دختر و پسر
۵۳	۲-۱-۲-۲- تفاوت در میزان پوشش دختر و پسر
۵۴	۵-۱-۲-۲- تفاوت در اختصاص منصب نبوت به دختر و پسر
۵۵	۶-۱-۲-۲- تفاوت در قبولی شهادت دختر و پسر
۵۵	۷-۱-۲-۲- تفاوت در ارث بردن دختر و پسر
۵۷	۸-۱-۲-۲- تفاوت در جهاد نمودن دختر و پسر
۵۸	۹-۱-۲-۲- تفاوت در منصب حکومت برای دختر و پسر
۵۹	۱۰-۱-۲-۲- تفاوت در حق طلاق دختر و پسر
۶۰	۱۱-۱-۲-۲- تفاوت در حق مهریه دختر و پسر
۶۰	۳-۲-۲- شباهت های تشریحی دختر و پسر
۶۱	۱-۳-۲-۲- شباهت در اختصاص خطابات قرآنی و روایی برای دختر و پسر
۶۲	۲-۳-۲-۲- شباهت در اختیار پیمودن راه حق و باطل توسط دختر و پسر
۶۳	۳-۳-۲-۲- شباهت در توان کسب جزا و پاداش از سوی دختر و پسر
۶۳	۴-۳-۲-۲- شباهت در توان کسب فضائل و ردائل توسط دختر و پسر
۶۸	۵-۳-۲-۲- شباهت در لزوم رعایت عفاف توسط دختر و پسر
۷۰	۳-۲- نتیجه مباحث فصل

فصل سوم: وجوه تفاوت ها، شباهت ها و شیوه های تربیت دختر و پسر در ساحت های تربیتی

- ۳-۱- آموزش و تربیت اعتقادی دختر و پسر ۷۲
- ۳-۱-۱- تفاوت های تربیت و آموزش اعتقادی دختر و پسر ۷۶
- ۳-۱-۲- شباهت های تربیت و آموزش اعتقادی دختر و پسر ۷۶
- ۳-۱-۳- شیوه های آموزش و تربیت اعتقادی دختر و پسر ۷۶
- ۳-۱-۴- آموزش و تربیت با استفاده از مثال و مثل: ۷۷
- ۲-۳-۱-۴- آموزش و تربیت با پاسخ صحیح به پرسش های اعتقادی: ۷۸
- ۳-۱-۴-۳- آموزش و تربیت با قصه گوئی ۷۹
- ۳-۱-۴-۴- آموزش و تربیت با توجه دادن به نعمت ها ۸۰
- ۳-۱-۵- آموزش و تربیت با بازی و نمایش ۸۱
- ۳-۱-۴-۶- آموزش و تربیت با عمل و ارائه الگوی عملی ۸۲
- ۳-۲- آموزش و تربیت عبادی دختر و پسر ۸۴
- ۳-۲-۱- تفاوت در تربیت و آموزش عبادی دختر و پسر ۸۶
- ۳-۱-۲- تفاوت در زمان وجوب نماز ۸۶
- ۳-۱-۲- تفاوت در جهر و اخفات در نماز توسط دختر و پسر ۸۸
- ۳-۱-۲- تفاوت دختر و پسر در احکام طهارت ۸۸
- ۳-۱-۲- تفاوت دختر و پسر در احکام حج ۸۸
- ۳-۱-۲- تفاوت در محل احرام ۸۸
- ۳-۱-۲- تفاوت در نیت احرام ۸۹
- ۳-۱-۲- تفاوت در لباس احرام دختر و پسر ۸۹
- ۳-۱-۲- تفاوت دختر و پسر در پوشاندن صورت و دست در احرام ۸۹
- ۳-۱-۲- تفاوت در حلق و تقصیر ۹۰
- ۳-۲- شباهت در تربیت و آموزش عبادی دختر و پسر ۹۰
- ۳-۲-۱- شباهت در آموزش معارف و الفاظ قرآن ۹۰
- ۳-۲-۲- شباهت در آموزش دعا، احکام مشترک و نیایش ۹۰
- ۳-۲-۲- شباهت در آشنا نمودن معارف اهل بیت (علیهم السلام) ۹۱
- ۳-۲-۲- شباهت در رعایت آداب اسلامی در خصوص تولد فرزند ۹۱
- ۳-۲-۳- شیوه های آموزش و تربیت عبادی دختر و پسر ۹۲
- ۳-۲-۱- آموزش و تربیت با آموزش و تربیت غیرمستقیم ۹۳
- ۳-۲-۲- آموزش و تربیت با تکرار آموزش ۹۴
- ۳-۲-۳- آموزش و تربیت با عکس العمل به موقع و مناسب ۹۵
- ۳-۲-۴- آموزش و تربیت با پرسش و پاسخ صوری ۹۶
- ۳-۲-۵- آموزش و تربیت با مثل زدن ۹۷

- ۹۸.....۳-۲-۳-۶ آموزش و تربیت با رفتار
- ۹۸.....۳-۲-۳-۷ آموزش و تربیت با گفتار.....
- ۹۹.....۳-۲-۳-۸ آموزش و تربیت با استفاده از وسایل کمک آموزشی.....
- ۱۰۰.....۳-۲-۳-۹ آموزش و تربیت با استفاده از شیوه دیداری و تجربی.....
- ۱۰۰.....۳-۲-۳-۱۰ آموزش و تربیت با شیوه نمایش خود عمل.....
- ۱۰۱.....۳-۲-۳-۱۱ آموزش و تربیت با ایجاد انگیزه و رغبت.....
- ۱۰۴.....۳-۲-۳-۱۲ آموزش و تربیت با بیان فواید و ارزشهای عبادت.....
- ۱۰۴.....۳-۲-۳-۱۳ آموزش و تربیت با تشویق و همراه بردن به اماکن معنوی و مذهبی.....
- ۳-۳- آموزش و تربیت اخلاقی دختر و پسر.....**
- ۱۰۵.....۳-۳-۱- تفاوت های دختر و پسر در تربیت و آموزش اخلاقی.....
- ۱۰۶.....۳-۳-۲- شباهت های دختر و پسر در تربیت و آموزش اخلاقی.....
- ۱۰۷.....۳-۳-۳- شیوه های آموزش و تربیت اخلاقی دختر و پسر.....
- ۱۰۷.....۳-۳-۱- آموزش و تربیت با تقویت روحیه انسان دوستی.....
- ۱۰۷.....۳-۳-۲- آموزش و تربیت با تقویت روحیه تواضع.....
- ۱۰۸.....۳-۳-۳- آموزش و تربیت با توجه دادن به حقوق دیگران.....
- ۱۰۸.....۳-۳-۴- آموزش و تربیت با توجه دادن به انجام تعهد.....
- ۱۰۹.....۳-۳-۵- آموزش و تربیت با پرورش روحیه حلم و بردباری:.....
- ۱۰۹.....۳-۳-۶- آموزش و تربیت با آگاهی بخشی برای دقت در معاشرت با دوستان.....
- ۱۰۹.....۳-۳-۷- آموزش و تربیت با ایجاد روحیه پرهیز از خود بزرگ بینی.....
- ۱۱۰.....۳-۳-۸- آموزش و تربیت با ایجاد روحیه راستی و درستکاری.....
- ۳-۴- آموزش و تربیت سیاسی و اجتماعی دختر و پسر.....**
- ۱۱۱.....۳-۴-۱- تفاوت های تربیت و آموزش سیاسی و اجتماعی دختر و پسر.....
- ۱۱۳.....۳-۴-۲- شباهت های تربیت و آموزش سیاسی و اجتماعی دختر و پسر.....
- ۱۱۶.....۳-۴-۳- شیوه های آموزش و تربیت سیاسی و اجتماعی دختر و پسر.....
- ۱۱۷.....۳-۴-۱- آموزش و تربیت با آگاهی بخشی.....
- ۱۱۷.....۳-۴-۲- آموزش و تربیت با نظارت.....
- ۱۱۸.....۳-۴-۳- آموزش و تربیت با مشارکت عملی.....
- ۳-۵- آموزش و تربیت اقتصادی دختر و پسر.....**
- ۱۱۹.....۳-۵-۱- تفاوت های تربیت و آموزش اقتصادی دختر و پسر.....
- ۱۲۲.....۳-۵-۲- شباهت های تربیت و آموزش اقتصادی دختر و پسر.....
- ۱۳۳.....۳-۵-۳- شیوه های آموزش و تربیت اقتصادی دختر و پسر.....
- ۱۳۳.....۳-۵-۱- آموزش و تربیت با ایجاد روحیه میانه روی.....
- ۱۳۴.....۳-۵-۲- آموزش و تربیت با ذکر الگوهای موفق و سعادت‌مند.....

- ۳-۳-۵-۳- آموزش و تربیت با ایجاد روحیه قناعت و خود اتکائی ۱۳۴
- ۳-۶- آموزش و تربیت علمی و فنی دختر و پسر ۱۳۴
- ۳-۶-۱- تفاوت های تربیت و آموزش علمی دختر و پسر ۱۳۹
- ۳-۶-۱- یادگیری علوم مشاغل طاقت فرسا ۱۳۹
- ۳-۶-۲- یاد گیری علوم ممنوعه ۱۳۹
- ۳-۶-۲- تفاوت های تربیت و آموزش علمی دختر و پسر ۱۳۹
- ۳-۶-۳- شیوه های آموزش و تربیت علمی دختر و پسر ۱۴۱
- ۳-۶-۳- آموزش و تربیت با پرسیدن سوال ۱۴۲
- ۳-۶-۳- آموزش و تربیت با وقت گذاشتن و برنامه داشتن ۱۴۲
- ۳-۶-۳- آموزش و تربیت با ایجاد زمینه طهارت و پاکی ۱۴۲
- ۳-۶-۳- آموزش و تربیت با ایجاد زمینه همنشینی با انسان های عالم و اندیشمند ۱۴۲
- ۳-۶-۳- آموزش و تربیت با استمداد از خدای سبحان ۱۴۳
- ۳-۷- آموزش و تربیت زیبایی شناسی و هنری دختر و پسر ۱۴۳
- ۳-۷-۱- تفاوت های دختر و پسر در تربیت و آموزش زیبا شناختی و هنری ۱۴۶
- ۳-۷-۲- شباهت های دختر و پسر در تربیت و آموزش زیبا شناختی و هنری ۱۴۷
- ۳-۷-۳- شیوه های آموزش و تربیت زیبایی شناختی و هنری دختر و پسر ۱۴۷
- ۳-۷-۳- آموزش و تربیت با ایجاد حساسیت زیبایی شناختی برای دختر و پسر ۱۴۸
- ۳-۷-۳- آموزش و تربیت با تشویق و همراهی برای درک زیبایی شناختی دختر و پسر ۱۴۸
- ۳-۷-۳- آموزش و تربیت با ایجاد زمینه برای آفرینش اثر هنری دختر و پسر ۱۴۸

فصل چهارم: جمع بندی مطالب و پیشنهادات

- ۴-۱- جمع بندی مطالب ۱۵۰
- ۴-۲- پیشنهادات کاربردی ۱۵۸
- ۴-۳- پیشنهادات پژوهشی ۱۵۸
- فهرست منابع ۱۶۰

مقدمه

آموزش و تربیت از ابتدایی ترین و اساسی ترین نیازهای زندگی برای بهره مندی از دنیا و آخرت است، انسان به ناچار از تولد تا مرگ در مسیر آموزش و تربیت قرار دارد که بخشی از آن برایش فراهم شده است و بخش عمده ی از تربیت را خود برای خودش فراهم می کند و می تواند خودش را با عقلانیت در مسیر صحیح آموزشی و تربیتی قرار دهد. انسان به دلیل برخوردارگی از قوه ی عاقله مفکره و توانایی برای تشخیص درست خوبی ها و بدی ها، نیازمند آموزش و تربیتی است که بتواند به او در انتخاب مسیر صحیح کمک کند.

هدف از ارسال رسل و رسالت انبیاء عظام و امامان معصوم (علیهم السلام)، آموزش و تربیت انسانها جهت دستیابی به زندگی سعادت‌مندانه بوده است. بی تردید، هیچ آئین و مذهبی مانند اسلام، برای آموزش و تربیت دختران و پسران اهمیت قائل نشده است، تا جایی که پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) فرموده اند: « طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ ».

از سویی در منابع اصیل اسلام آموزش و تربیت فرزندان دارای درجه و جایگاه بسیار رفیع و حائز اهمیت است و این مسئولیت عظیم بر دوش پدران و مادران، معلمان، مربیان و متولیان جامعه نهاد شده است. نوع و روش آموزش و تربیت نیز آنقدر مهم است که نه تنها محیط را عاری از رذایل می کند، بلکه آینده ی فرزندان را تضمین، آنان را به فضایل مزین نموده و نقش موثری را در نگرش، اخلاق، رفتار، گفتار و کردار دارد. اگر فرزندان از بدو تولد تا مرگ در مسیر حقیقت و یا در مسیر خلاف آموزه های دینی و معنوی قرار گیرند، پدر و مادر، معلمان و مربیان، نقش اساسی را در این امر ایفا نموده اند.

ما بعنوان مسلمان باید بر اساس کتاب ارزشمند وحی و تعالیم انبیاء الهی علی الخصوص پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه وآله) و اهلیت پاکش (علیهم السلام)، نسبت به آموزش و تربیت دختران و پسران خود اقدام نمائیم، برای این کار ابتدا باید شناخت مناسبی نسبت به تفاوت های تربیتی آنان بر اساس جنسیت داشته باشیم.

در تحقیق پیش رو ما با نگاهی به آموزه ها و منابع اصیل اسلامی و در حیطه ساحت های مطرح شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ضمن اشاره به تفاوت های دختر و پسر تفاوت ها و شباهت های آموزشی و تربیتی آنان را که می تواند نقش موثری در تربیت دخترانه و تربیت پسرانه آنان داشته باشد را بررسی نمائیم، به امید آنکه گام کوچکی در اصلاح نگاه آموزشی و تربیتی همسان به دختر و پسر در خانواده و جامعه برداریم؛ چرا که اغلب خانواده ها و مربیان با بی توجهی به تفاوت های فیمابین آنان، برای تربیت آنان بصورت یکنواخت و کاملاً شبیه به هم عمل می نمایند، و حال آنکه دختر و پسر اندیشه یکسانی ندارند. ابراز احساسات و نوع مقابله با مسائل آنان یکی

نبوده و متفاوت است. اگر در روش های تربیت تفاوت ها و شباهت هایشان را بشناسیم و عملیاتی کنیم، گام موثری در بهبود کارکردها و روابط آنان در زندگی خانوادگی و اجتماعی آنان ایفا کرده ایم؛ چرا که تربیت بر اساس تفاوت های جنسیتی آنان، در توانایی و کار آمدی وجودی آن ها تأثیرگذار است، و این تفاوت، تکامل بخش شخصیت هر دو در مسیر تعالی است. تفاوت های موجود بین دختر و پسر یا همان زن و مرد، مانند آهن ربا عمل کرده و آن ها را جذب یکدیگر می نماید. بنابراین دو جنس مکمل و متمم هم بوده و هر یک در کمال خود نیازمند دیگری است، برتری آنان فقط در نزدیکی و قرب به خداست، چرا که خدای سبحان فرمود: «انَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» همچنین در خصوص پاداش فرمود: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَّلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» هر کس از مرد و زن عمل شایسته کند و مؤمن باشد او را زندگی نیکو دهیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد.

۱- حجرات: ۴۹، آیه ۱۳.

۲- النحل: ۱۶، آیه ۹۷.

فصل اول
کلیات و مفاهیم

۱-۱ بیان مسئله

یکی از ریشه‌ها و مشکلات اخلاقی، تربیتی و فرهنگی جامعه از جمله عدم پذیرش نقش‌های زنانه و مردانه و تصور برتری یکی بر دیگری، ناشی از عدم توجه لازم به تفاوت‌ها و شباهت‌های آموزشی و تربیتی دختر و پسر است. تفاوت و شباهت‌های جنسیتی دختر و پسر، ما را بر آن می‌دارد که به نیازها و بایسته‌های مشترک و متفاوت تربیتی آنان توجه جدی داشته باشیم. علاوه بر آن هر چه خانواده‌ها نسبت به تربیت درست و صحیح فرزندان خود با توجه به دختر یا پسر بودن دقت نمایند برکت و نتیجه آن در سلامت رفتاری، فرهنگی، اخلاقی و اعتقادی جامعه بیشتر آشکار می‌گردد. با نگرشی به تاریخ آموزش و تربیت، روشن می‌شود که در گذشته مسئولیت تربیت فرزند بر عهده خانواده بوده است و آنها نیز بر اساس، اعتقادات و رسوم خانوادگی، برای تربیت و آموزش دختران و پسران خود برنامه‌ریزی می‌کردند. با گذشت زمان و ساماندهی وضعیت آموزش در قالب ایجاد مدارس و دانشگاه‌ها، آموزش و تربیت نیز متحول گردید و بخش اعظمی از آن از دست والدین خارج شد. بعنوان مثال در همان اوائل به دستور رضا پهلوی، آموزش قرآن و مسائل شرعی در مدارس ممنوع گردید و پس از مدتی برای مدارس دستورالعملی ارسال شد که پوشیدن چادر برای دختران در مدرسه ممنوع است. ولی بخش اعظمی از خانواده‌ها با توجه به اعتقادات مذهبی خود به نظام آموزش و پرورش وقت، بی‌اعتماد بودند و تمایل چندانی برای تحصیل فرزندان دختر خود در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور نداشتند و معمولاً فرزندان خود را در مدارس اسلامی مانند جامعه تعلیمات اسلامی ثبت نام می‌کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تعلیم و تربیت رسمی و عمومی با رویکرد اسلامی گسترش یافت و اعتماد خانواده‌ها به برنامه‌های آموزشی و تربیتی نظام آموزش و پرورش رسمی کشور جلب شد؛ امری که در نهایت منجر به واگذاری بسیاری از مسئولیت‌های تربیتی خانواده‌ها به دولت و زمینه کم‌رنگ شدن جایگاه خانواده در امور تربیتی را به وجود آورد.

پس از انقلاب نیز نظام آموزشی و تربیتی توفیق‌چندانی در تربیت دختران و پسران بر اساس آموزه‌های دینی و روش‌های مناسب تربیتی با لحاظ تفاوت‌ها و شباهت‌های دختر و پسر نداشته است. نپرداختن به برخی از این تفاوت‌ها و شباهت‌ها باعث شده دختران و پسران نسبت به وظایف و کارکرد‌های خود اطلاع کافی نداشته باشند و دائماً خود را مقایسه کنند و این در حالی است می‌توان ضمن تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌ها و بهره‌گیری از برنامه‌های آموزشی و تربیتی متناسب جنسیتی، شرایط را برای شناخت به وجود آورد.

۱- صدیق، تاریخ فرهنگ ایران، ص ۳۷۳.

۲- وزارت آموزش و پرورش، مبانی سند تحول بنیادین، ص ۲۳۹.

از آنجا که در قرآن و سنت برای تربیت جنس زن و مرد، نقشها و کارکرد های متفاوتی ذکر شده است و دختران و پسران امروز زنان و مردان آینده هستند. نظام اسلامی باید ضمن فراهم نمودن زمینه های شناساندن تفاوت های آموزشی و تربیتی دختر و پسر به والدین، مربیان و شخص دختران و پسران، آمادگی نسبت به پذیرش و ایفای نقش خود اقدام کند. در تربیت دختران و پسران معمولاً روش های یکسانی به کار می رود، اما در چگونگی به کارگیری این روش ها تفاوت هایی وجود دارد و در کم و کیف استفاده از روش های تربیتی تفاوت هایی را باید در نظر بگیریم.

در این پژوهش سعی خواهد شد با مبنا قرار دادن آیات قران کریم و روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) تفاوت ها و شباهت های آموزشی و تربیتی دختران و پسران براساس جنسیت آنان در ساحت های مذکور در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، استخراج و ضمن پرداختن به آنها زمینه ی توجه بیشتر متولیان آموزش و تربیت اعم از والدین، معلمان و مربیان به ویژه متولیان تهیه محتواهای درسی مدارس در ساحت های تربیتی فراهم گردد و به تبع آن سیاست های نظام تربیتی یکسان اصلاح و آسیب های نظام تربیتی یکسان کاهش یابد.

۲-۱- سوالات تحقیق

سوال اصلی:

کتاب و سنت چه تفاوت ها و شباهت هایی برای آموزش و تربیت دختر و پسر مد نظر قرار داده اند؟
سوالات فرعی:

- ۱) اصول آموزش و تربیت دخترانه و پسرانه از نگاه کتاب و سنت چیست؟
- ۲) وجوه تفاوت و شباهت تکوینی و تشریحی دختر و پسر از منظر کتاب و سنت در چه زمینه هایی قابل شناسایی است؟
- ۳) از دیدگاه کتاب و سنت شیوه های آموزش و تربیت دخترانه و پسرانه، در ساحت های تربیتی چیست؟

۳-۱- فرضیه های تحقیق

- ۱) اصول آموزش و تربیت برای دختر و پسر با توجه به آموزه های دینی مانند خدا محوری و سعی محوری، یکسان ولی بحسب روش بر اساس جنسیت و کارکرد آنان متفاوت است .
- ۲) تفاوت های تربیتی دختر و پسر ابعاد گوناگونی دارد، از جمله: تفاوت در تربیت جنسی، عاطفی، اقتصادی و... دارد.
- ۳) روش های تربیت پیشوایان اسلام در زمینه های مختلف و ساحت های تربیتی گاهی با استفاده از محبت و گاهی با قهر، گاهی با عفو و اغماض و به صورت مستقیم و غیر مستقیم بوده است.

تیین تفاوتها و شباهت های دختر و پسر و بهره‌گیری از برنامه های آموزشی و تربیتی متناسب آنان، تاثیر مثبتی بر رویکرد ها و کارکردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه و کارکرد های آتی آنان خواهد داشت.

۱-۴- اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به آنکه در اکثر تحقیق ها، پژوهش ها و مبانی آموزشی و تربیتی توجه کاملی به تفاوت ها و شباهت های تربیتی و آموزشی دختر و پسر نشده است و آثار آن نیز در نحوه برخورد، رفتار، گفتار، تعامل، تشویق و تنبیه اکثر قریب به اتفاق معلمان و مربیان، با دختران و پسران بصورت یکسان، مشهود است، و از سویی وجود ناهنجاری های متعدد در فضای جامعه، اختلاف در خانواده ها و کم‌رنگ شدن اخلاق، بخاطر عدم توجه به جنسیت و در نظر گرفتن محتواها و روش های مناسب دینی با ریشه های قرآنی و روایی و ذکر آن در منابع درسی، کتاب های داستانی، فیلم ها و انیمیشن های تلویزیونی برای تربیت دختران و پسران خصوصاً در سنین کودکی و همچنین برون داد تربیت های یکسان در فضای جامعه و گاهای عدم نقش پذیری دختران و پسران که زنان و مردان آینده هستند، ضرورت داشت تفاوتها و شباهت های آموزشی و تربیتی دختران و پسران بر اساس جنسیت، از کتاب و سنت استخراج و در نتیجه شیوه ها و روش های آموزش و تربیت اسلامی را مطرح و ضمن استفاده در منابع نظری و محتواهای کتب درسی گامی در کاهش و رفع این مشکلات، برداشته شود.

۱-۵- اهداف تحقیق

الف: هدف اصلی:

یافتن تفاوت ها و شباهت های آموزشی و تربیتی دختر و پسر در قرآن و سنت.

ب: اهداف فرعی:

۱) ارائه محتوا برای کاهش آسیب های نظام آموزشی و تربیتی یکسان دختر و پسر و کمک به اصلاح سیاست های نظام تربیتی آموزش و پرورش.

۳) بیان اهمیت توجه داشتن به تفاوت امر آموزش و تربیت دختران و پسران.

۴) ارائه شیوه و روشهای مورد نظر اسلام برای تربیت و آموزش دختر و پسر.

۱-۶- روش تحقیق

پژوهش حاضر در زمره ی پژوهش های توصیفی - تحلیلی قرار دارد و از حیث روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای می باشد. ما در این پژوهش در ابتدا با مراجعه به کتاب و سنت از روش توصیفی - تحلیلی، مبانی و اصول و اهداف و همچنین نقش هر یک در آموزش و تربیت دختر

و پسر را بررسی و سپس تفاوتها و شباهت های آموزشی و تربیتی آنان را از نظر کتاب و سنت بیان خواهیم نمود.

در بررسی تفاوت ها، موقعیت ها، کارکرد ها و نقش ها، علاوه بر قرآن و سنت از برخی آموزه های فقهی و غیر فقهی و همچنین ادعیه، تفاوتها و شباهت ها بررسی و سپس در خصوص این تفاوتها روشهای تربیتی دخترانه و پسرانه، را مورد شناسایی قرار می دهیم.

۱-۷- پیشینه تحقیق

بررسی ها و پژوهشهای انجام گرفته بخشی در صدد نقد و تحلیل محتوای کتابهای درسی، مسائل آموزشی در قالب تفاوت های جنسیتی بوده اند و بیشتر بر اساس رویکرد توسعه محور بوده است مانند: تحقیق سیف (۱۳۷۰)، عبدوس (۱۳۸۱)، چابکی (۱۳۸۲)، صمدی (۱۳۸۴)، شیخاوندی (۱۳۸۵)، حجازی (۱۳۸۵)، مهران (۱۳۸۵)، زنجانی زاده (۱۳۸۶)، هاشمی شهرآرای (۱۳۸۷) ولی در بخش دیگری از پژوهش ها به تفاوت های زن و مرد و نقش آن در آموزش و تربیت پرداخته شده است. از آنجا که در پژوهش های مختلف بخش اول را به صورت مفصل بیان نموده اند ما با صرف نظر از ذکر بخش اول که بدون در نظر گرفتن آموزه های دینی بوده به برخی از پژوهش های بخش دوم که ذکر آن ضروری به نظر می رسد، اشاره خواهیم نمود. البته در این پژوهشها نیز توجه خاصی به تفاوتهای تربیتی و آموزشی و شیوه های آن نشده است.

- علم الهدی (۱۳۸۳) در پژوهش خود به مقایسه نگاه سنتی، نگاه مدرن و نگاه دینی به جنسیت و تاثیر آن در تربیت می پردازد و اعتقاد دارد با وجود این که در نگرش اسلامی، تفاوتهای جنسیتی اعتبار محدودی دارند. اما در نظر گرفتن تفاوتهای جنسیتی در تربیت اسلامی مربوط به قلمرو خاص نقشهای اجتماعی یادگیرندگان نیست، بلکه در صورت پذیرش تفاوتهای روانشناختی میان مرد و زن آموزشهای مربوط به حوزه وجود شناختی نیز متأثر از این نوع تفاوتها خواهد بود. بنابراین تلفیق علایق مربوط به نقشهای اجتماعی یادگیرندگان با علایق مربوط به نقش وجود شناختی آنها فرصتهای تحصیل معرفت را برای نیل به سعادت جاویدان بطور برابر برای همه یادگیرندگان فراهم می نماید. این تحقیق به بیان دیدگاه اسلام بر اساس آیات قرآن، روایات و همچنین فلسفه اصالت وجود ملاصدرا در خصوص تفاوت زنان و مردان پرداخته است.

همچنین نامبرده در پژوهشی دیگر (۱۳۹۱) ضمن پرداختن به نظر علامه طباطبایی در خصوص تفاوتهای جنسیتی در تفسیر المیزان، بر این مطلب تاکید دارند که زن و مرد از نظر قرآن دو صنف از نوعی واحد هستند و از اینرو، علاوه بر اشتراک در بسیاری از ویژگیهای جسمی، روحی، حقوقی و تکالیف، دارای تفاوتهایی در این زمینه ها هستند. محقق در ادامه به بررسی تفاوتهای زن و مرد می

پردازد و بر اساس آن انجام برخی اصلاحات آموزشی در نظام تربیت رسمی کشور را ضروری میدانند.

- بهشتی و احمدی نیا (۱۳۸۵) در پژوهشی به نقد برنامه های تربیتی و روشهای تربیتی فمینیسم در مقایسه با رویکرد اسلامی می پردازند و نشان می دهند که در اسلام تشابه میان زن و مرد مطرح نیست، بلکه آنچه مهم است تساوی میان آنها است؛ به طوریکه اسلام در عین یکسان دانستن زن و مرد در شرافت و کمالات بر اساس توجه به وجود تفاوت در نقشهای اجتماعی که زنان و مردان در جامعه بر عهده می گیرند .

به طور کلی این تحقیق در رابطه با نشان دادن وجه تمایز رویکرد اسلامی در مقابل رویکردهای فمینیستی است و به تفاوتهای آموزشی و تربیتی دختر و پسر (زن و مرد) از نگاه کتاب و سنت نپرداخته است.

-کرامتی (۱۳۹۰) پس از ذکر سلسله مراتبی بودن ارزشها، تاثیر ارزیابی دیگران در ارزشها و تاثیر آزاد زیستن و تطور و سع آدمی به عنوان مبانی ارزش شناسی فمینیسم اگزیستانسیالیسم، به بررسی اصول و روشهای قابل استنباط از آن می پردازد؛ به گونه ای که برای اصل تغییر و تحول در نگرش، روش تصحیح معیار ارزش گذاری را مطرح می کند. برای اصل حفظ و ارتقای کرامت، روش ابراز توانایی و دوری از شی شدگی را می آورد و در رابطه با اصل آزادی، روش ایجاد شرایط آزاد در محیط در قالب؛ همجنس خواهی، سقط جنین، رد اخلاق مادری و اشتغال را مطرح می کند و در نهایت به اصول بر قراری عدالت و روش تشابه محوری توجه دارد.

محقق با مقایسه مبانی مورد نظر فمینیسم اگزیستانسیالیسم و اسلام در خصوص آزادی انسان به نظر اسلام در خصوص آزادی انسان در مقام تکوین اشاره می کند و در مقام تشریح اراده انسان را آزاد نمی داند، و به این نکته تاکید دارد که در اسلام محدوده آزادی انسان را سایر انسانها مشخص نمی کنند، بلکه حق خداوند و حتی حقوق خود فرد نیز آزادی او را محدود میکند. در مورد ارزشها نیز بر این مطلب تاکید دارد که اسلام نیز همچون فمینیستهای اگزیستانسیالیست بر یکی بودن هویت انسانی زن و مرد توجه دارد، ولی در ادامه بر این باور است که اسلام بر خلاف فمینیستهای اگزیستانسیالیسم که سلسله مراتبی بودن ارزشها را از جامعه میدانند آن را نتیجه تفاوتهای تکوینی می داند.

در پژوهش فوق به برخی از مبانی ارزش شناسی توجه شده و از میان مولفه های تربیتی تنها به اصول و روشها پرداخته است و به مولفه هایی همچون تفاوتهای آموزشی و تربیتی دختر و پسر (زن و مرد) از نگاه کتاب و سنت نپرداخته است.

-دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (۱۳۸۷) در طرح تحقیقاتی با عنوان "فرائت انتقادی نظام آموزشی با رویکرد جنسیتی" با اشاره به اینکه بحث از نظام آموزشی مبتنی بر جنسیت تاکنون مورد غفلت واقع شده است. با تحلیل نظرات مختلف به لزوم لحاظ کردن تفاوت‌های جنسیتی در آموزش دختران و پسران تاکید کرده است. پژوهش مذکور بیشتر سعی بر نشان دادن ضرورت پرداختن به تفاوت‌های جنسیتی در تعلیم و تربیت اسلامی در حد مقاله داشته است و به مبسوطی تحقیق پیش رو که از کتاب و سنت احصای شده پرداخته است.

پژوهش‌هایی نیز در قالب نظریات جامعه‌شناسی با رویکرد اسلامی و تحقیقاتی در زمینه تفاوت‌های موجود بین زن و مرد انجام شده است؛ مانند تحقیق حسین بستان نجفی (۱۳۸۲) که به بررسی و مقایسه نظریه فمینیسم و اسلام در مورد تفاوت‌ها و نابرابری‌های جنسی و جنسیتی پرداخته و تفاوت‌های راهبردهای فمینیستی و اسلام در خصوص رفع نابرابری‌های جنسی و جنسیتی را مورد توجه قرار داده است.

-حسینی زاده و شرفی جم (۱۳۹۲) ضمن نقد اصول تعلیم و تربیت فمینیسم لیبرال بر اساس مبانی انسان‌شناختی آن، به این نتیجه دست یافته‌اند که برخی از اصول تعلیم و تربیت فمینیسم لیبرال مانند اصل تعقل و استدلال، توجه به تفاوت‌های فردی، استقلال و خودگردانی متریبان به صورت جزئی با اصول مطرح در تربیت اسلامی موافق است، اما تربیت اسلامی در برخی موارد نه تنها اصول مورد نظر فمینیسم لیبرال را نمی‌پذیرد بلکه جهت مخالف آن را اصل می‌داند؛ به طوری که به جای اصل مساوات و برابری اصل عدالت را مطرح می‌کند و به جای اصل رقابت بر اصل همکاری و تعاون تاکید دارد و در مقابل اصل آموزش مختلط به اصل آموزش جدا و غیر مختلط توجه دارد، در این پژوهش سعی شده است بر اساس رویکرد تطبیقی به مقایسه رویکرد فمینیستی و اسلامی به مسائل زنان در حوزه تعلیم و تربیت پرداخته شود.

-زیبایی نژاد (۱۳۹۱) ضمن تحقیق در خصوص تحولاتی که در آموزش دختران در نظام تربیت رسمی کشور روی داده است، با رویکرد اسلامی، تفاوت‌های میان زن و مرد را در قالب تفاوت‌های تکوینی و تفاوت در موقعیت‌ها و نقش‌ها مطرح می‌کند، و سپس با تمرکز به رویکردهای غربی و مدرن حاکم بر نظام تربیت رسمی، به ضرورت بازنگری و اعمال اصلاحات اساسی در نظام تربیت بر اساس نگاه خانواده‌مدارانه و جنسیت‌مدارانه می‌پردازد و معتقد است که بخاطر نبود فلسفه تربیت اسلامی، تنگناهای کارشناسی، تسلط پارادایم مدرنیته بر فضای حاکم بر علوم اجتماعی موجود و تنگناهای سیاسی، اصلاحات در نظام تربیت بر اساس نگاه خانواده‌مدارانه و جنسیت‌مدارانه کاری بسیار مشکل و پرخطر می‌باشد.

با آنکه محقق در این پژوهش، رویکرد غربی و مدرن حاکم بر نظام تربیت رسمی کشور را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، به تفاوت های تکوینی و تشریحی میان زنان و مردان پرداخته است و بر ضرورت بازنگری در محتوا و مواد درسی نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور و برخی مبانی مرتبط با آن تفاوتها اشاره کرده است، اما به تفاوتهای آموزشی و تربیتی دختر و پسر (زن و مرد) از نگاه کتاب و سنت نپرداخته است.

در پژوهشی دیگر، حسینی زاده و شرفی جم (۱۳۹۰) در پژوهشی دیگر ضمن پرداختن به انواع رویکردهای فمینیسم مانند؛ فمینیسم رادیکال، فمینیسم سیاه، فمینیسم پست مدرن و حتی فمینیسم اسلامی با نگاه بر اساس نقد بیرونی به بررسی مسئله برابری یا تفاوت از منظر قرآن و روایات معصومان (علیهم السلام) پرداخته و با تمسک به دوازده دلیل نقلی، تفاوت میان زن و مرد از نگاه اسلام را بررسی کرده است.

-بستان نجفی (۱۳۹۲) با ارائه دور نمایی از چارچوب نظری مطرح در جامعه شناسی اسلامی پیرامون مسائل جنسیتی، ابتدا رویکرد هنجاری اسلام به آموزش زنان را مطرح می کند، سپس مسئله جنسیت در آموزش و پرورش را بر اساس محورهایی همچون فرصت پیشرفت علمی، محتوای آموزشی و ساختار مراکز آموزشی بررسی می کند.

هر چند در این پژوهش محقق توانسته است به خوبی با استفاده از رویکرد هنجاری اسلام به مسئله آموزش زنان پردازد و با تبیین وضع موجود و آمار در دسترس پاسخ مناسبی به برخی نقدهای مطرح شده از طرف فمینیسمها در خصوص آموزش زنان بدهد. اما به نظر می رسد که نگاه محقق به آموزش و پرورش بیشتر بر بعد آموزشی آن متمرکز است و به جنبه های تربیتی آن توجه چندانی نداشته است.

همچنین بستان نجفی و همکاران (۱۳۸۸) پس از مرور دیدگاه متخصصان و اسلام در مورد تفاوت های جنسی طبیعی و پذیرفتن برخی تفاوتها، به تبیین برخی از ابعاد نابرابری جنسی در خانواده پرداخته و با توجه به نظریه های گوناگون روان کاوی، زیستی اجتماعی، یادگیری و زیستی-اجتماعی به تبیین رشد هویت جنسی و جامعه پذیری نقشهای جنسیتی پرداخته است.

-کریمی عقدا (۱۳۹۶) نیز در تحقیق خود ضمن بررسی و بیان مبانی، اصول و اهداف تربیتی که بر اساس توجه به رویکرد اسلامی و تفاوتهای تکوینی و تشریحی میان زنان و مردان، به این نتیجه رسیده است که می توان با ارائه محتوای درسی و برنامه های تربیتی مناسب از ظرفیت های نهاد تربیت رسمی عمومی کشور در راستای اصلاح وضعیت فرهنگی جامعه و کم تر کردن مسائل مطرح در حوزه خانواده اقدام کرد. هرچند ایشان نیز تفاوتهای تکوینی و تشریحی را مطرح نموده است و به

استفاده از رویکرد و محتوی اسلامی اشاره کرده است ولیکن بصورت جامع به تفاوت تربیت دخترانه و پسرانه نپرداخته است.

در پژوهش حاضر سعی شده است با در نظر گرفتن آموزه های کتاب و سنت، تفاوتها و شباهت های تربیتی دختر و پسر را احصاء و برای تربیت دخترانه و تربیت پسرانه شیوه های تربیتی متناسب بیان گردد تا ضمن بهره برداری والدین و مربیان، زمینه ای برای انجام تحقیقات بیشتر در راستای بهبود وضعیت آموزشی و تربیتی کشور فراهم گردد.

۸-۱- تفاوت مفهومی آموزش و تربیت

با توجه به آنکه کلمه آموزش و تربیت باهم در عنوان مصوب رساله آمده است لازم است بدانیم که آیا معنا و مفهوم تربیت و آموزش یکی است یا متفاوت است. صاحب نظران در این خصوص نظرات مختلفی بیان نموده اند که به برخی از آنها می پردازیم.

۱) در تربیت هدف رشد دادن و شکوفایی همه قابلیت ها و توانایی هایی بالقوه انسان است، ولی در آموزش هدف اصلی در آن انتقال معلومات است.^۱

۲) در تعلیم بیشتر با یک بعد از ابعاد وجودی انسان، یعنی بعد شناختی و عقلانی او سروکار داریم، اما تربیت فراگیر و همه جانبه است.

۳) تعلیم معمولاً بیشتر به وسیله معلم و در جای معینی، همچون مدرسه و کلاس درس صورت می گیرد، ولی در تربیت، همه عوامل موجود در محیط به نحوی بر فرد تأثیر می گذارند.^۲

دیدگاه های مذکور یک نتیجه مشترک دارد و آن جدایی تفاوت مفهومی میان آموزش و تربیت است، ولی آیا به راستی چنین است؟ گفتنی است که: هر چند تربیت و آموزش از نظر مفهومی با هم تفاوت دارند. ولی وجود تفاوت به معنای عدم وجود رابطه میان این دو واژه نیست. طرح رابطه مجاورتی و موازی میان آموزش و تربیت، ناشی از عدم تحلیل درست واژه آموزش و عدم توجه به تعامل و تأثیر و تأثر متقابل آن با تربیت است؛ زیرا با اندک تأملی ترتب منطقی تربیت بر آموزش و اینکه هیچ اقدام تربیتی، بدون آموزش و آگاهی ممکن نیست، آشکار می گردد. آموزش و تربیت، هر چند از نظر مفهومی در مجاورت هم قرار می گیرند، ولی در عمل هیچ گاه به صورت موازی و بدون تلاقی و تعامل محقق نمی شوند. در رویکرد ابزاری و مقدمی بودن آموزش برای تربیت، اگر مراد این باشد که تعلیم و دانش ابزاری بیش نیست و جزء ارزش ابزاری و مقدمی اعتبار دیگری ندارد، پذیرفتنی نیست؛ زیرا در فرهنگ اسلامی تعلیم و علم آموزی هر چند به عنوان هدف غایی مطرح نیست، ولی دست کم معرفت به عنوان یکی از اهداف میانی و واسطی مطرح است. از این رو، روایات فراوانی در فضیلت علم و علم آموزی

۱- حاجی ده آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص ۱۵.

۲- صانعی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۵ و حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت بخش دوم، ص ۹.

وارد شده است و در آیات قرآن از تعلیم در ردیف تزکیه سخن به میان آمده است. اما اگر مراد این است که ره یافتن به وادی تربیت از مسیر آموزش میسر است و در حقیقت، تعلیم بخشی از فرآیند تربیت است که بدون آن نمی‌توان به تربیت مطلوب دست یافت، این دیدگاه پذیرفتنی است. از آنچه گفته شد، وضعیت رابطه کل و جز یا عام و خاص نیز روشن می‌گردد؛ زیرا آموزش می‌تواند بخشی از تربیت باشد. با این حال، این رویکرد تحلیل کاملی از رابطه آنها ارائه نمی‌دهد. به نظر می‌رسد، رابطه این دو قوی‌تر و اساسی‌تر از رابطه این چینی است. دیدگاه تعاملی نیز هرچند در مقایسه با دیدگاه پیشین صائب‌تر و به واقع نزدیک‌تر می‌نماید، ولی همچنان بیانگر رابطه عمیق میان آموزش و تربیت نمی‌باشد؛ چراکه همچنان آنها را در دو عرصه جدا از هم فرض می‌کند که حداکثر تعامل زیادی با هم دارند.

به نظر می‌رسد، هرچند آموزش و تربیت از جهت مفهومی متفاوت و جدای از هم هستند، اما در مقام عمل و تحقق، این دو به هم آمیخته و منطبق بر هم هستند. تنیدگی آموزش و تربیت از آن جهت است که، نه هیچ آموزشی بدون تربیت محقق می‌شود و نه هیچ تربیتی بدون آموزش امکان‌پذیر است. به بیان دیگر، درباره آموزش به دو سطح عمده آن اشاره شد که در سطح اول، «انتقال مفاهیم» و در سطح بالاتر، «انجام فعالیت از پیش طراحی شده که به یادگیری منجر شود»، مطرح بوده است. در تحقق هر یک از اینها، نقش تربیت و حضور آن انکارناپذیر است. بی‌تردید انتقال مفاهیم وقتی به درستی انجام می‌گیرد که از قبل آمادگی ذهنی برای دریافت مفاهیم و آموزه‌ها در یادگیرنده فراهم شده باشد. علاوه بر آمادگی‌های ذهنی، انگیزه و علاقمندی کافی برای دریافت آموزه‌ها در وی ایجاد شده باشد و این آماده‌سازی و ایجاد انگیزه نوعی فعالیت تربیتی است.

اما آموزش در سطح بالاتر (فعالیت منجر به یادگیری)، نیاز بیشتری به انجام فعالیت‌های تربیتی دارد بدون آنها به یادگیری منجر نمی‌شود. از سوی دیگر، اگر آموزش در سطح عالی خود تحقق یابد و منجر به یادگیری شود، به طور طبیعی به تحقق تربیت در ابعاد مختلف آن منجر خواهد شد و در ذات خود، تربیت را به همراه خواهد داشت: "در واقع، مواد آموزشی اگر در ساختار ذهنی و فرآیندهای انفعالی و عاطفی دانش‌آموزان وارد شود، ماهیت پرورشی می‌یابد و یادگیری واقعی، که همان تغییر رفتار فرد است، رخ می‌دهد. اگر یادگیری را تغییرات نسبتاً پایدار تعریف کنیم که در رفتار یادگیرنده رخ می‌دهد و رفتار را به منزله کنش تمامی ابعاد وجودی فرد (ذهنی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اعتقادی) تلقی کنیم، دیگر گسست و شکافی بین آموزش و پرورش وجود نخواهد داشت!"

همچنین عنصر اساسی در تعریف «تربیت» عبارت است از: فعالیت هدفمند به منظور تأثیرگذاری در ابعاد مختلف وجود انسان. روشن است که هر نوع تأثیرگذاری در مخاطب، فرع بر تأثیرگذاری در

۱- کریمی، آموزش به مثابه پرورش، ص ۱۸-۱۷.

ساختار ذهنی و شناختی وی است. به عبارت دیگر، مخاطب (متربی) تا از نظر ذهنی و شناختی امری را دریافت نکرده باشد، به هیچ وجه احساس و گرایش به سوی آن در وی ایجاد نمی‌شود. تا گرایش و احساس به انجام امری پیدا نکند، درصدد انجام آن در قالب یک «رفتار» بر نمی‌آید. بنابراین، «آموزش و تربیت» یا همان «آموزش و پرورش»، هرچند از جهت مفهومی با یکدیگر تفاوت دارند، ولی در عمل و اجرا به هیچ نحو قابل انفکاک نیستند و تحقق هیچ کدام بدون دیگری ممکن نیست.

در بررسی کتاب و سنت در خصوص رابطه آموزش و تربیت به واژه‌های «تعلیم و تزکیه» از باب تفعیل بر می‌خوریم البته اگر معادل کلمه علم را آموزش و معادل کلمه تربیت را تزکیه در نظر بگیریم. در مجموع، مشتقات «تعلیم» ۴۱ مورد و مشتقات تزکیه ۱۴ مورد به کار رفته است. از مجموع این موارد، در قرآن چهار مورد، دو واژه «تعلیم» و «تزکیه» در کنار هم به کار رفته‌اند. از این چهار مورد، در سه مورد آن، تزکیه بر تعلیم مقدم شده و در یک مورد، تعلیم بر تزکیه مقدم شده است که آنهم شاید بخاط

ان باشد که از زبان حضرت ابراهیم (علیه السلام) بیان شده است.

این آیات عبارتند از: «يُزَكِّيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُمْ»^۱ «وَيُزَكِّيْهِمْ وَيُعَلِّمُهُمْ»^۲ «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ»^۳

با کنار هم گذاشتن آیات فوق، و مقایسه و تأمل در آنها، نکات قابل توجهی به دست می‌آید که از آنها، جدایی‌ناپذیری و در هم آمیختگی تعلیم و تربیت را می‌توان اثبات نمود:

۱) در این آیات، چند عبارت به صورت مشترک و با تعبیر واحد بیان شده که عبارتند از: «بعثت و ارسال رسول»؛ «رسولی از خود مردم»، «تلاوت آیات برای مردم»، «تزکیه مردم»، «تعلیم کتاب و حکمت به مردم».

تکرار سه عنصر رسول به عنوان «مربی»، تزکیه به عنوان «تربیت» و تلاوت آیات، و تعلیم کتاب و حکمت به عنوان «تعلیم»، این آیه را به عنوان مناسب‌ترین و صریح‌ترین آیه قرآن در موضوع مهم «تعلیم و تربیت» معرفی می‌کند.

۲) در هر چهار آیه، تلاوت قرآن، که خود یک نوع آموزش است، در آغاز قرار گرفته و در یک مورد، تعلیم مقدم بر تزکیه ذکر شده است. این خود حاکی از دو نکته مهم است: نخست اینکه، هیچ تربیتی بدون آموزش محقق نمی‌شود. دوم اینکه، در عرصه تعلیم و تربیت اسلامی، تنها تعلیمی منجر به تربیت اسلامی می‌شود و در ذات خود تربیت اسلامی را به همراه خواهد داشت که رنگ الهی داشته باشد.

۱- بقره: ۲، آیه ۱۵۱.

۲- آل عمران: ۳، آیه ۱۶۴.

۳- جمعه: ۶۲، ۲.

۴- بقره: ۲، ۱۲۹.

۳) در سه آیه از چهار آیه، «تزکیه» مقدم بر «تعلیم» بیان شده است. این نیز مفید دو نکته مهم دیگر است: نخست آنکه، هیچ تعلیمی بدون «تربیت» به خوبی محقق نمی‌شود. دوم اینکه، در عین جدایی‌ناپذیری و همراهی «تعلیم و تربیت»، در مرحله عمل، تربیت از جهت رتبه و اهمیت، مقدم بر تعلیم و غایت آن به حساب آید.

در کتب مرجع روایی، به موردی که همانند قرآن، تعلیم (آموزش) و تزکیه به معنای اصطلاحی خود در کنار هم ذکر شده باشد دست نیافته‌ایم. شاید وجه عدم بیان آن، بدیهی بودن آن است. در نتیجه، جدایی‌ناپذیری آن دو مفروض تلقی شده است، به ویژه آنکه روایات پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) متأخر از قرآن بوده است. با وجود تأکید مکرر قرآن و همراهی صریح آنها در آیات قرآن، دیگر نیازی به بیان جدایی‌ناپذیری این دو در کلام معصومان (علیهم السلام) نبوده است و به طور عملی آن را در عرصه آموزش و تربیت مورد توجه قرار داده‌اند. به عبارت دیگر، همراهی و جدایی‌ناپذیری آموزش و تربیت، به ویژه با تأکیدات و تصریحات قرآن، چنان روشن بوده است که حضرات معصومان (علیهم السلام) ضرورتی در تصریح به آن ندیده‌اند. از این رو، هرچند در روایات تعلیم و تزکیه، همانند قرآن در کنار هم به آنها تصریح نشده است، ولی به گونه‌های مختلف از تعامل و جدایی‌ناپذیری اثر تعلیم یعنی علم با ابعاد و جلوه‌های تربیت و تزکیه سخن به میان آمده است مانند:

روایت امام علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «پایین‌ترین مرتبه علم آن است که علم در سطح زبان باشد و بالاترین آن این است که در اعضاء و جوارح انسان آثارش نمایان شود.»^۱

همچنین می‌فرماید: «علم قرین و همراه علم است. پس هر که دانست به عمل می‌پردازد، علم عمل را فرا می‌خواند؛ اگر عمل آن را اجابت کرد [باقی می‌ماند] و گرنه از نزد او کوچ می‌کند.»^۲ عمل و رفتار درست، تجلی تربیت‌یافتگی است. بدون آن، تربیت و تزکیه به معنای کامل آن، تحقق نمی‌یابد.

در روایت دیگر می‌فرماید: «ایمان و علم دو برادر همراه هم و دو دوستی هستند که از یکدیگر جدا نمی‌شوند.»^۳

در بعضی روایات، از علم به عنوان عاملی برای تربیت و تزکیه نفس یاد شده است. امام علی (علیه السلام) فرمود: «[خداوند] انسان را دارای نفس دریا بنده حق قرار داده است، اگر انسان آن را با علم و عمل تزکیه کند به جوهرهای اوائل علت‌های آن شبیه می‌گردد.»^۴

۱- دشتی، نهج البلاغه، حکمت ۹۲.

۲- همان، حکمت ۳۳۶.

۳- خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۴۷.

۴- همان، ج ۴، ص ۲۲۰- «مراد از اوایل علت‌های آن «عقول مقدسه» است، بنابر آنچه مذکور شد از مذهب حکما که آنها وسائط در ایجاد موجودات باشند و علل آنها منتهی به آنها شوند.

همچنین در فرهنگ اسلامی، علم و دانش آثار اخلاقی زیادی به دنبال دارد. تزکیه نفس و دوری، از هواپرستی، از جمله آنها به حساب آمده است. حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید:

"از نتایج علم پرهیزکاری و دوری از هوای نفس و دنبال کردن هدایت و دوری از گناهان و دوستی با دیگران و گوش دادن به سخنان دانشمندان و قبول سخن آنان است. همچنین [نیز] از ثمرات آن، ترک انتقام به هنگام توانایی بر آن و زشت دانستن نزدیکی به باطل و نیکو شمردن تبعیت از حق و سخن حق و راست گفتن و دوری از خوشحالی در حال غفلت و انجام آنچه پشیمانی به دنبال دارد ..."^۱

یکی از پیامدهای طلب علم، رشدیافتگی است. «رشد» از مفاهیم کلیدی در عرصه تربیت اسلامی است. حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه نیز فرمود: «طلب علم کنید تا رشد یابید»^۲ در این روایت، نتیجه طلب علم و دانش، که همان تعلیم و آموزش است، رشد و تربیت به حساب آمده است.

از سوی دیگر، در برخی روایات از تأثیر متقابل، تزکیه و علم، سخن به میان آمده است. بنابراین، علم و تزکیه تأثیر و تأثر متقابل دارند و از یکدیگر جدا نیستند. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «علم بدون داشتن ورع و تقوا رشد نمی‌کند.»^۳ همچنین از جمله سفارشات و نصایح حضرت خضر (علیه السلام) به حضرت موسی (علیه السلام) این است که فرمود: «تقوای دل پیشه کن تا به علم و دانش دست یابی»

بنابراین آموزش و تربیت همواره دو مفهوم ملازم و همراه یکدیگرند. تعلیم عمدتاً بر جنبه شناختی انسان تأکید و تربیت بیشتر بر جنبه‌های غیرشناختی آن. با این حال، این مرزبندی به منزله عدم ارتباط این دو نیست؛ این دو مفهوم با هم رابطه دارند و برای این دو، انواعی از روابط قابل تصور است که از میان آنها، رابطه آمیختگی و درهم‌تنیدگی صائب‌تر به نظر می‌رسد. هرچند تعلیم و تربیت، از جهت مفهومی متفاوت و جدای از هم هستند، اما در مقام عمل و تحقق، این دو به هم آمیخته و منطبق بر هم هستند؛ یعنی نه هیچ آموزشی بدون تربیت محقق می‌شود و نه هیچ تربیتی بدون آموزش امکان‌پذیر است.

۹-۱- جایگاه آموزش و تربیت دختر و پسر در ادیان

در بررسی جایگاه و نگاه ادیان به دختر و پسر، به این نکته پی خواهیم برد که بی تردید میان آنان تفاوت‌هایی در خصوص نحوه آموزش و تربیت وجود دارد و از آنجا که ملاک، مقایسه دختران با پسران است، به جایگاه پسران بصورت خاص نمی‌پردازیم و به بخشی از نوع نگاه ادیان به دختران اشاره خواهیم کرد.

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۶.

۲- خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۲۳۹.

۳- همان، ج ۶، ص ۳۸۸.